



انسان‌شناسی قرآنی، مقدمه طرح گزاره‌های هنجاری است

به گفته حجت‌الاسلام ساجدی، قرآن هم به توصیف استعدادهای انسان و ظرفیت‌های کمالی او و هم به تجویزهایی برای انسان می‌پردازد، اما توصیفات قرآن، در حقیقت کانال و مقدمه طرح گزاره‌های تجویزی و هنجاری آن است.

به گفته حجت‌الاسلام ساجدی، قرآن هم به توصیف استعدادهای انسان و ظرفیت‌های کمالی او و هم به تجویزهایی برای انسان می‌پردازد، اما توصیفات قرآن، در حقیقت کانال و مقدمه طرح گزاره‌های تجویزی و هنجاری آن است.

حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالفضل ساجدی، مدیر قطب فلسفه دین ایران در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی در خصوص انسان‌شناسی اسلامی با رویکرد قرآنی پرداخت و گفت: انسان‌شناسی را می‌توانیم از دیدگاه‌های متفاوتی مورد توجه قرار دهیم و احیاناً دیدگاه اسلام را با سایر مکاتب مقایسه کنیم.

ساجدی توجه به رابطه گزاره‌های توصیفی و تجویزی در قرآن را یکی از نکات مهم در رسیدن به دیدگاه انسان‌شناسی قرآنی دانست و بیان کرد: انسان‌شناسی قرآن، در ارائه توصیفاتش از انسان، که مقدمه طرح گزاره‌های هنجاری است، ترسیم می‌شود.

برخی از اصول در انسان‌شناسی قرآن

وی با اشاره به مواردی که می‌تواند به عنوان توصیفات قرآن از انسان مطرح شود، گفت: قرآن انسان را موجودی فراتر از یک موجود مادی صرف می‌داند و اساساً سجده بر انسان را بعد از این مطرح می‌کند که روح در او دمیده شد. در واقع انسان بعد از این که نفخ روح حاصل می‌شود، شایسته سجده ملائک می‌شود و این معلوم می‌کند که این سجده ناظر به بعد مادی صرف او نیست، بلکه بعد از این که با نفخ روح کامل می‌شود، شایسته سجده می‌شود.

ساجدی در توضیح همین مطلب عنوان کرد: در آن جا که قرآن مراحل آفرینش انسان را که ذکر می‌کند، می‌گوید که «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا؛ آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم» (مؤمنون/14). در ادامه همین آیه می‌گوید که «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ؛ آنگاه او را در آفرینشی دیگر پدید آوردیم». این مطلب گویای این است که خلق دومی بر انسان بار می‌شود و همچنین بیان‌کننده تفاوت سطح وجودی روح است.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) بر همین اساس ورود به عرصه تکلیف را مبتنی بر کمال جسم و ابزارهای شناخت دانست و بیان کرد: ما می‌بینیم که در اسلام، تکلیف درست از زمانی آغاز می‌شود که بلوغ مادی و کمال بدن و توانایی شناختی مغز حاصل می‌شود و اگر این چنین بود که تکلیف ناظر به بعد مادی وجود انسان باشد، باید از همان دوران کودکی انجام تکالیف بر انسان واجب باشد.

وی افزود: بنابراین بعد غیرمادی و روحانی و استعدادی که از این جهت در وجود انسان نهفته است، او را مستعد تکلیف می‌کند و مقدمه تکلیف است. هدف تعلیم و تربیت در اسلام هم این است که وقتی ابزارهای کافی در اختیار انسان قرار گرفت، بتواند با این ابزارها، استعدادهای بالقوه خود را در مسیر اهداف متعالی‌اش به فعلیت برساند و به کمال برسد.

ساجدی همچنین با اشاره به باور به حیات اخروی و جاودان در اسلام، بیان کرد: قرآن از حیات دیگری یاد می‌کند که این حیات در پس این جهان است و فعالیت‌هایی که انسان انجام می‌دهد، متوجه آن حیات جاودانه است. بنابراین کل این دنیا محل گذری برای انسان است.

وی همچنین به باور مسیحیان در مورد گناه‌آلود بودن حیات و شرارت انسان اشاره کرد و گفت: اسلام و قرآن چنین دیدگاهی را بیان نمی‌کند، بلکه در اسلام باور این است که انسان دارای فطرت است و این فطرت که دارای دو بعد بینشی و گرایشی است، او را از دیگر موجودات متمایز می‌کند.

مدیر قطب فلسفه دین ایران با تأکید بر این‌که برای رسیدن به انسان‌شناسی اسلامی و قرآنی باید به همه این موارد توجه شود، به ارائه توضیحاتی در باب فطرت از منظر اسلام پرداخت.

ساجدی گفت: فطرتی که در اسلام مد نظر است، سرمایه‌های انسانی را در بر می‌گیرد که از ابتدای خلقت در او نهاده شده است و شامل هم سرمایه‌های بینشی است و هم سرمایه‌های گرایشی. برخی از آیات قرآن به نحو استفهام انکاری از برخی از این فطریات سخن گفته‌اند و به آن‌ها اشاره دارند. به تعبیر دیگر، این استفهامات گویای وجود معرفت و گرایش‌های فطری ماست.

این محقق و پژوهشگر بیان کرد: بخشی از شناخت فطری ما به امور مادی، بخشی به شناخت اخلاقی و بخشی هم به شناخت خداوند تعلق می‌گیرد. برخی از آیات قرآن ناظر به این است که بخشی از شناخت‌های ما حضوری است و نه حصولی. وجود شناخت اخلاقی فطری نیز به معنای این است که ما شناخت‌هایی در حوزه اخلاق داریم که نیازی به آموزش ندارد. همچنین آیات قرآن گویای شناخت فطری انسان نسبت به خداوند هستند.

وی با اشاره به بعد گرایشی فطرت انسان، این بعد را حاوی عشق ما به خداوند دانست و بیان کرد: امروزه تا حدی تحقیقات روانشناسی هم این را نشان داده است که گرایش به خداوند در همه انسان‌ها وجود دارد و این جامعه و خانواده هستند که این فطرت را تغییر می‌دهند و مسخ و منحرف می‌کنند. بنابراین ما علاوه بر این که فطرتاً برخی امور را می‌شناسیم، در دل‌مان گرایش به خداوند و همچنین به خوبی‌ها هم داریم. ما فطرتاً هم خدا را می‌شناسیم و هم دوست داریم که با او مرتبط شویم و انسان‌های پاک و الهی را نیز دوست داریم.

ساجدی افزود: این محبتی که در دل انسان‌ها نسبت به خداوند و نسبت به اولیاء او هست، ریشه در فطرت انسان دارد و حتی در بعضی روایات آمده است که فطرت انسان نه تنها به خدا گرایش دارد، بلکه این گرایش شامل نبوت و ولایت هم می‌شود و ما نیاز به کسی داریم که از طریق آن با خداوند مرتبط شویم و نبی ما باشد. به همین دلیل است که وقتی که این نبوت برای انسان‌ها مطرح می‌شود، به راحتی مسیر صحیح را و این که باید از پیامبر تبعیت کنند را می‌پذیرند.

وی با اشاره به وجود دو مؤلفه اختیار و گرایش به کمال در انسان، علاوه بر دو سرمایه بینشی و گرایشی فطری وی، بیان کرد: انسان از یک سو سرمایه‌هایی در اختیار دارد، از سویی نیز می‌خواهد به بلندترین مراتب برسد و در این راه هم مختار است که راه‌های مختلف را برگزیند و در عین حال آن چه از یک سو محرک اوست این است که می‌بیند استعدادهایی در اختیار او قرار داده شده. این استعدادها فقط ابزار است، اما بدون دانش کافی نمی‌توان این استعداد را شکوفا کرد. در این جاست که از سویی به سمت تأثیر و تأثر با موجودات دیگر کشیده می‌شود و از سویی نیز نیاز به هدایت و نیاز به یک راهنما می‌یابد.

ساجدی با بیان این که عنصر تعیین‌کننده در این جا ظرفیت وجودی انسان است، عنوان کرد: اصل تأثیر به قوت و ضعف انسان برمی‌گردد و نوع آن هم بر می‌گردد به این که این قوت در بعد مثبت است یا منفی. به تعبیر دیگر، اگر انسان قوی باشد، تأثیر می‌گذارد و اگر ضعیف باشد، تأثیر می‌پذیرد.

انسان‌شناسی قرآن یک انسان‌شناسی صرفاً توصیفی نیست

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه داد: بنابراین آن چه که از قرآن استفاده می‌شود، هم توصیف انسان است که آن را در قالب توصیف استعدادها و ظرفیت‌های کمالی او می‌یابیم و هم تجویزهایی برای انسان. در حقیقت توصیفات قرآن، کانال و مقدمه گزاره‌های تجویزی آن است.

وی بیان کرد: در واقع قرآن می‌گوید: ای انسان بدان که تو ظرفیت‌هایی داری و حال که چنین استعدادها و ظرفیت‌هایی داری، آن‌ها را بشناس و اگر می‌خواهی که این ظرفیت‌ها به فعلیت برسد، نیاز به راهنما داری و باید هدایت را به دست بیاوری. بنابراین و بر این اساس باید گفت که انسان‌شناسی قرآن فقط انسان‌شناسی توصیفی نیست و همراه توصیف گزاره‌هایی هنجاری با خود دارد.